

# کنکاشی در مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی با تاکید بر اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

دکتر محمد امامی\*

حمید شاکری\*\*

## چکیده

حقوق و آزادی‌های عمومی از جمله حقوق بنیادین بشری است که در اغلب اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورهای دنیا مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است. بر همین اساس، دولت‌ها نمی‌توانند با قوانین عادی و یا اتخاذ تصمیمات سیاسی و اعمال سلاقی شخصی آزادی‌های مذکور را مورد تجاوز قرار دهند. شناسایی حق ایجاد تشکل‌ها و اجتماعات توسط فرمانروایان، نتیجه ارزش نهادن به ذات بشریت و نفی استبداد و خودکامگی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی را در فصلی ذیل عنوان «حقوق ملت» مورد توجه قرار داده است. آزادی اجتماعات، از زمره حقوق و آزادی‌های جمعی است که مستقیماً در اصل ۲۷ قانون اساسی و به طور ضمنی در اصل ۲۶ قانون اساسی، شناسایی و تضمین شده است. در این نوشتار، تحلیل اهمیتی است که قانون اساسی در خصوص آزادی اجتماعات در اصل ۲۷ قانون اساسی قائل شده است و همچنین تاکید بر این موضوع اساسی که اولاً آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها مطلق نمی‌تواند باشد. بلکه اعمال این حق باید با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جامعه دموکراتیک اسلامی لحاظ شده باشد. ثانیاً قانون اساسی ضمن رعایت معیارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و جامعه بین‌المللی، همچنین شرایط و اوضاع و احوال جامعه دموکراتیک اسلامی خود را در نظر گرفته است و هر دو توأمان مدنظر قرار داده است. همچنین در این پژوهش تلاش شده است نخست به مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی به طور مفصل بپردازد. سپس ضمن بیان انواع حق‌ها و آزادی‌ها به طور خاص به بررسی حق اجتماع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین و مقررات مربوطه پرداخته شده است. در این راستا ضمن بیان ضمانت اجرای این حق به ضرورت توجه و نظارت دولت بر چگونگی اجرای این پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** قانون اساسی، حقوق و آزادی عمومی، حقوق شهروندی، آزادی اجتماع، کرامت انسانی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

<sup>۱</sup> تاریخ تحویل: ۱۳۹۱/۵/۲۲

\* دانشیار حقوق دانشگاه شیراز. (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه شیراز.

بدون هیچ گونه تردید آزادی مقوله‌ای است که بسیاری از مکاتب و حکومت‌ها از آن بسیار سخن رانده‌اند. در این راستا، هر یک از این مکاتب و حکومت‌ها تعابیر متفاوتی از آزادی، بیان کرده‌اند. برخی آن را به مفهوم رهایی از هر گونه قید و بند دانسته‌اند و برخی دیگر آن را اطاعت از عقل و احترام به قانون دانسته‌اند، اما باید در نظر داشته باشیم که آزادی از مقوله حقوق موضوعه نیست چرا که از خصوصیات حقوق موضوعه این است که در زمان معینی بر ملت حکومت می‌کند و در یکی از منابع آنرا تاسیس یا بر آن صحنه گذارد. آزادی جزء طبیعت آدمی و از حقوق فطری اوست و برتر از اراده حکومت و عطیه‌ای از جانب خداوند به انسان است، اعم از اینکه حکومتی آنرا به رسمیت بشناسد یا خیر. حکومت‌ها، تنها در راستای حفظ انتظامات و نظم عمومی می‌توانند حدود و شرایطی برای آن مقرر نمایند. لذا ایجاد تزلزل در اساس و پایه آن از حدود صلاحیت حکومت‌ها خارج است. آزادی‌ها از جمله حقوقی است که در زمره حق بنیادی بشری تلقی می‌شود و از این رهگذر در قوانین اساسی کشورهای مختلف پیش بینی و تضمین شده است.

شناسایی حق ایجاد تشکل‌ها و اجتماعات از سوی فرمانروایان، نتیجه ارزش نهادن به ذات بشریت و نفی استبداد و خودکامگی است. همچنین تعامل دولت و نهادهای قدرت با شهروندان و بالعکس بایستی به نحوی باشد که حقوق و آزادی شهروندان ضایع نکند.<sup>۲</sup>

به هر روی، اجتماعات و راهپیمایی‌ها یکی از مظاهر بارز دموکراسی است که شهروندان به وسیله آن، با حضور مستقیم خود، اداره امور مملکت را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. اجتماع و راهپیمایی یکی از آزادی‌های بنیادی و مشروعی است که غیر قابل سلب است. در دوران مدرن در بسیاری از اسناد بین‌المللی و حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است و به طبع آن در قانون اساسی بسیاری از کشورها به صراحت به بیان شده و برای اجرای آن ضمانت‌های خاصی پیش بینی شده است و در برخی از کشورهای دیگر که در این مورد سکوت اختیار کردند این به معنای منع این آزادی مشروع نیست. در ایران یکی از اساسی‌ترین عامل پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ همین اجتماعات و راهپیمایی‌ها بود از آنجایی که یکی از ارکان اصلی پیروزی انقلاب همین اجتماعات و راهپیمایی‌ها بود از نظرگاه قانونگذار پنهان‌نماند و در اصل ۲۷ قانون اساسی این آزادی الهی - طبیعی پیش بینی نموده است و در ماده ۸۰۱ قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرایی برای آن پیش بینی کرده است.

این مقاله در راستای پاسخ‌گویی به این سوال: آیا اجتماعات و راهپیمایی‌ها در ایران از آزادی حقوقی برخوردارند یا خیر؟ در صورت برخورداری از چنین حقی آیا برای آن ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است؟ در این راستا نخست به بررسی مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی پرداخته و سپس ضمن بیان انواع حقوق و آزادی‌ها به تبیین این در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

## ۱. چهارچوب نظری تحقیق

### ۱،۲ پیشینه و مفهوم حقوق و آزادی‌های عمومی

### ۱،۲،۱ پیشینه حقوق و آزادی‌های عمومی

بحث حقوق و آزادی‌های عمومی در تاریخ تمدن بشر ریشه دیرینه دارد، پیشینه آن را برخی به یونان باستان، روم و

<sup>۲</sup>. Rawls, John(1993). A Theory of Justice, Oxford University Press.p.145./ Chevallier,1998: p.173.

برخی دیگر به پیش از میلاد مسیح و منشور کورش پس از آزادی سازی شهر بابل نسبت داده اند. پرواضح است که اجازه قانونگذاری به دو صورت امکان پذیر است. صورت اول آن است که در یک نهاد مدنی اجازه قانونگذاری از سوی شهروندان به گروهی از نمایندگان واگذار می گردد که این گروه با انتخاب آنان تعیین می شوند و صورت دوم اجازه قانونگذاری از سوی خداوند است که براساس شرع مقدس بر عهده فقیهان دین و مجتهدان است که با تکیه بر مبانی اصلی کتاب الله (قرآن)، سنت و سیره معصومین (ع) قواعد و مقررات مورد نیاز جامعه از آن استنتاج نماید.

اما نخستین منشور مدون و رسمی حقوق شهروندی و حقوق بشر را می توان در مقدمه اعلامیه استقلال امریکا که به وسیله «کنگره مهاجرین» در برابر استعمار انگلستان صادر شد، می توان دانست. در این اعلامیه چنین مقرر داشته است: «به عقیده ما جمیع مردم یکسان آفریده شده اند و خداوند حقوقی مانند حق حیات، حق آزادی و مانند آن را برای آنها معین کرده و برای تامین این حقوق حکومت هایی بایستی به وجود آیند که اختیارات آنها ناشی از قبول و رضایت مردم باشد»<sup>۳</sup>.

در مقدمه نخستین قانون اساسی فرانسه که با الهام از عقاید منتسکیو تدوین شده است:

- همه افراد بشر در برابر قانون مساوی هستند.

- حاکمیت ملی به مردم تعلق دارد.

- امنیت، مالکیت و آزادی از حقوق تفکیک ناپذیر مردم است.

به هر حال در این قانون محدوده آزادی هم این گونه تعیین شده است: «آزادی تا حدی مجاز است که به آزادی

دیگران لطمه نزند».

اعلامیه جهانی حقوق بشر خواستار احترام حقیقی به حقوق شهروندی و آزادی های اساسی بدون تفاوت نژاد و جنس، زبان و مذهب شده است. اما این اعلامیه با وجود توجه ویژه به حقوق بنیادین و اساسی بشر ولی در عین حال هیچ ضمانت اجرایی برای آن پیش بینی نشده است.

به هر حال، در مورد حقوق و آزادی های شهروندان نظریات متعددی مطرح شده است بر همین اساس تا سال های پایانی دهه ۱۹۸۰ سه نظریه مهم از جمله؛ نظریه لیبرالیستی: این نظریه بیشتر حول و حوش حقوق فردی و اصالت گرایی فردی تاکید می کرد. همچنین در این تئوری فرض بر این است که تمامی شهروندان، افرادی آزاد و برابر می باشند. در این نظریه از شهروندان به عنوان افراد صاحب حق مورد توجه قرار داده است<sup>۴</sup>. نظریه دیگر؛ نظریه ی جمهوری گرایی بود این تئوری نیز بیشتر در مورد مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت اجتماعی خود تاکید می کرد و بالاخره نظریه اجتماع گرایی که در این نظریه، زندگی جمعی و تعهدات اجتماعی مورد اشاره قرار داده است. در همین راستا، اجتماع گرایان عضو بودن شهروندان در یک اجتماع سیاسی مورد تاکید قرار داده اند و بر این باورند که؛ عضویت در یک اجتماع سیاسی سبب شکل گیری یک همبستگی بزرگ بین فرد و اجتماع می شود و از همین رهگذر به دلیل تفکر فردگرایانه لیبرالیسم که سبب نادیده گرفتن رابطه فرد با اجتماع شده می پردازند<sup>۵</sup>. لازم به ذکر است که برخی گفتمان

<sup>۳</sup>. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات ابن سینا، ص ۳۱.

<sup>۴</sup>. Foweraker, J. & Landman, T. (1997). Individual Rights and Social Movements: A Comparative and Tatistical Inquiry. Oxford: Oxford University Press.p.32.

<sup>۵</sup>. Bell, D. (2004). Communitarianism in Stanford Encyclopedia of Philosophy. Principal Editor N.Zalat, Stanford: Stanford University, Center for the Study of Language and Information.pp.1-2 / Podunavac,

اجتماع گرایی را اصلاح شده گفتمان حقوقی لیبرالیسم می دانند.

با توجه به تحولات سال های نخست دهه ۱۹۹۰ دیگر این رویکردها چندان پاسخگوی مسائل شهروندان نبود و با روشن شدن نقاط ضعف آن ها در روبرو شدن با شرایط نوین، رفته رفته پارادایم پسانوگرایی با تاکید بر شهروند جهانی و جهانی شدن مطرح شد.<sup>۵</sup> برخی از صاحب نظران گفتمان های حاکم بر حقوق و آزادی شهروندان را به چهار گروه دسته بندی می کنند: گفتمان حقوقی لیبرال، گفتمان جمهوری خواهی کلاسیک و مدرن، گفتمان اجتماع گرایی و گفتمان حقوقی تکثرگرایی.<sup>۶</sup> در دوران معاصر به طور جد می توان مدعی بود که حقوق و آزادی شهروندان به عنوان امری بدیهی در نظر گرفته می شود. که در اسناد معتبر داخلی و بین المللی مورد تاکید و تضمین واقع شده است.

## ۱،۲،۲ مفهوم حقوق و آزادی های عمومی

برای درک صحیح از حقوق آزادی های عمومی لازم است نخست ببینیم منظور از حقوق چیست؟ می توان مدعی بود که حقوق یعنی برخورداری از حق که خود شامل حق حیات، حق کار، حق زندگی کردن و ... این حقوق قابل اسقاط نیست یعنی هیچ کس نمی توان این حقوق را از انسان بدون دلیل موجه سلب نماید. در یک دسته بندی می توان این حقوق را به سه دسته تقسیم کرد: الف. حقوق فطری؛ ب. حقوق اکتسابی؛ ج. حقوق اعطایی.

الف. حقوق فطری: مبنا و منشا این حقوق خداوند است؛ بنابراین حقوق فطری، حقوقی است که هر انسان با هر دین، عقیده و ملیتی و تنها به واسطه انسان بودن از این حقوق برخوردار است مانند حق حیات، حق برخورداری از کرامت انسانی و امثال اینها.

ب. حقوق اکتسابی: این حقوق انسان ها در طول زندگی خود کسب می نمایند و بستگی به میزان کار و فعالیت افراد دارد.

ج. حقوق اعطایی: حقوقی است که دولت به اشخاص اعطا می کند مانند انواع حقوق اعطایی به اقلیت ها و قومیت ها دینی و نژادی.

سه دسته حقوق مورد اشاره، در قانون اساسی کشورها متجلی شده است که تحت عنوان قرارداد اجتماعی و میثاق ملی در جوامع شکار گرفته است و حدود حقوق فطری، اکتسابی و اعطایی در آن مشخص می شود. این حقوق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲. مفهوم آزادی

آزادی از مفاهیم سهل و ممتنع در ادبیات حقوق و سیاست است؛ زیرا به رغم سادگی و سهولتی که در اولین نگاه در تعریف آن به نظر می رسد، ارائه تعریفی جامع و مانع برای آن چندان آسان نیست برای مثال آزادی در لغت به معنای عشق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیب و عبودیت و همچنین قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب می باشد.<sup>۸</sup>

M. (2001). The Principales of Citizenship and Pluralism in Identity. Belgrade: Belgrade University. p.3.

<sup>۵</sup>. Gunsteren, H. (1998). A Theory of Citizenship. US: Westview Press.

<http://www.Jstor.org/stable/1953019?&Search=yes&term=constituitiion.p.19>

<sup>۶</sup>. Ritzer, G. (2005). Encyclopdia of social Theory. London: sage Publication. p.147.

<sup>۸</sup>. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. جلد اول. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. ص ۷۷.

در فرهنگ سیاسی و فلسفی کمتر واژه‌ای به اندازه آزادی مورد توجه قرار گرفته است در حالی که پاره‌ای از حکیمان آزادی را به مفهوم رهایی از هرگونه قید و بند، عده‌ای دیگر آن را اطاعت از عقل و احترام به قانون معنی کرده‌اند.<sup>۹</sup> همچنین، عده‌ای آزادی را به نبودن مانع تعریف کرده‌اند؛ برخی دیگر؛ آزادی نبودن موانع خارجی است<sup>۱۰</sup> و برخی دیگر معتقدند که؛ آزادی عبارت است از قدرت یا اختیار انجام دادن آنچه کسی خواسته باشد فارغ از مداخله دیگران انجام دهد.<sup>۱۱</sup> برخی دیگری از فلاسفه، آزادی را به نبودن موانعی خاص تعریف کرده‌اند؛ برای مثال هرلدلسکی در کتاب آزادی در دولت امروز می‌نویسد: «منظور من از آزادی، نبودن مانع بر آن اوضاع و شرایط اجتماعی است که وجود آنها در تمدن امروز لازمه خوشبختی فرد است. بر این اساس وجود قواعد معقول و مقبولی برای تأمین خوشبختی افراد، محل آزادی نیست»<sup>۱۲</sup>. به تعبیر برخی دیگر، آزادی عبارت است از اینکه انسان حق داشته باشد هر کاری را که قانون اجازه داده و می‌دهد، انجام دهد و آنچه قانون منع کرده و صلاح او نیست، مجبور به انجام آن نگردد.<sup>۱۳</sup>

به هر حال در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت؛ آزادی یعنی فقدان منع؛ یعنی هیچ مانعی در انجام دادن آنچه کسی می‌خواهد انجام دهد، وجود داشته باشد. به مفهوم بهتر آزادی یعنی نبود قید و بندها و موانعی که زندگی فردی و اجتماعی فرد را در درون اجتماع، محدود و مقید می‌سازد.

### ۳. آزادی حقوقی

در علم حقوق این پرسش مطرح نیست که آیا بشر واقعا آزاد و مختار است یا اینکه زیر سلطه یک اراده بالاتر از خود قرار دارد، بلکه همین قدر که فرد در گزینش اعمال و رفتار خود مختار است، برای قبول مسئولیت کافی است»<sup>۱۴</sup>. علم حقوق با این پیش فرض که انسان از نظر فلسفی آزاد و مختار است، درباره آزادی وی در زندگی شخصی یا در روابط اجتماعی به بحث می‌نشیند و مرزها و شرایط آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس آزادی حقوقی را می‌توان به نبودن قید و بندها و موانعی تعریف کرد که زندگی فردی یا اجتماعی فرد را در درون اجتماع، محدود و مقید می‌سازد.

### ۴. مفهوم آزادی های عمومی

انسان، آزاد آفریده شده و حق دارد از آزادی به عنوان یکی از مهمترین ضرورت های زندگی با کرامت بهره مند شود. بر این اساس هر فرد می‌تواند از حقوق و آزادی های عمومی برخوردار شود. برخی در تعریف آزادی های عمومی معتقدند؛ آزادی های عمومی عبارت است از حقوقی که برای افراد، نوعی استقلال و خودسامانی در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی تأمین می‌کند و این حقوق از لحاظ رشد شخصیت انسانی ضروری شناخته می‌شود.<sup>۱۵</sup> امروزه آزادی

<sup>۹</sup> کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، مبانی حقوق عمومی، تهران، نشر دادگستر، ص ۳۸۴.

<sup>۱۰</sup> هابز، توماس (۱۳۸۰)، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، چاپ اول، تهران: نشر نی، ص ۱۶۰.

<sup>۱۱</sup> کوئین، آنتونی (۱۳۷۱)، فلسفه سیاسی، ترجمه مرتضی اسعدی، نشر بین المللی هدی، ص ۳۶۴.

<sup>۱۲</sup> همان، ص ۳۴۷.

<sup>۱۳</sup> شارل دو منتسکیو (۱۳۷۰)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، جلد ۱، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر، ص ۳۹۳.

<sup>۱۴</sup> طباطبایی مومتمنی، منوچهر (۱۳۸۲)، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۲.

<sup>۱۵</sup> همان، ص ۲۲.

های عمومی، مصادیق فراوانی یافته است که می توان به آزادی عقیده و بیان، آزادی اجتماعات، آزادی رفت و آمد و مانند آن اشاره کرد. برخی از حقوقدانان مانند «ریورو» دو عنصر را داخل در مفهوم آزادی عمومی می دانند: یکی عنصر مادی که عبارت است از تأمین نوعی استقلال و توانایی برای فرد در تمسیت زندگی خصوصی و اجتماعی، و دیگری عنصر سازمانی؛ یعنی به رسمیت شناختن این توانایی و اختیار توسط قانون و حمایت مؤثر قدرت عمومی، ریورو بر اساس همین دیدگاه در تعریف آزادی های عمومی می گوید: «آزادی های عمومی توانایی هایی هستند که به موجب آنها انسان در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی، اعمال و رفتار خویش را خود انتخاب و اختیار می کند و این توانایی ها به وسیله حقوق موضوعه که آنها را از حمایت مستحکمی برخوردار می کند، شناخته می شوند و سازمان می یابند»<sup>۱۶</sup>.

بنابراین می توان گفت آزادی های عمومی برای رشد انسان لازم و ضروری است. این آزادی ها عبارتند از: آزادی بیان، آزادی آموزش و پرورش، آزادی عقیده، آزادی کسب و کار، آزادی اجتماعات، آزادی اطلاعات، آزادی تن، آزادی رفت و آمد و امثال اینها.

## ۵. انواع آزادی های عمومی

حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه و اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱۷</sup> موجب شده است که در قانون اساسی هر کشور فصلی به حقوق ملت اختصاص داده شود. حقوق ملت به مفهوم مجموعه حقوق و آزادی هایی است که دولت اجازه تجاوز به حریم آن ندارد. این آزادی ها به دو نوع تقسیم می شوند:

۱. آزادی هایی که شخصی و فردی است.

۲. آزادی های عمومی، که در این نوع آزادی ها مردم به اتکا حقوقی که به دست آورده اند به درون قلمرو خاص زمامداران راه می برند و قدرت آنان را محدود می کنند و از تجاوز آن به آزادی افراد جلوگیری می نمایند<sup>۱۸</sup>.

آزادی های نوع اول که خاص افراد است به سه قسمت تقسیم می شوند:

۱. آزادی های شخصی و مدنی مثل مسکن، آزادی ازدواج

۲. حقوق اقتصادی و مالی افراد است مثل: حقوق مالکیت، آزادی انتخاب شغل

۳. آزادی عقیده، آزادی مذهب می باشد.

آزادی های نوع دوم: آزادی هایی است عمومی که وسیله مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت است، با تضمین

این آزادی ها دولت نمی تواند به حقوق افراد تجاوز کند، مهم ترین اقسام این آزادی ها عبارتند از:

۱. آزادی مطبوعات.

۲. آزادی تشکیل حزب و جمعیت.

۳. آزادی اجتماعات و راهپیمایی ها.

---

<sup>۱۶</sup>. همان، ص ۱۶.

<sup>۱۷</sup>. اعلامیه جهانی حقوق بشر، یک پیمان بین المللی است که در دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است و شامل ۳۰ ماده است. این اعلامیه به تشریح دیدگاه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر می پردازد. مفاد این اعلامیه؛ حقوق بنیادی مدنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - که باید ابناى بشر در هر کشوری از آن برخوردار باشند - را مشخص کرده است.

<sup>۱۸</sup>. رحیمی، مصطفی (۱۳۵۴)، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی. چاپ دوم، تهران. ص ۲۳۷.

۴. آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی.

۵. آزادی انتشار کتاب.

برخی دیگر بر این باورند که؛ آزادی‌های عمومی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: الف. آزادی‌های شخصی؛

ب. آزادی‌های فکر و اندیشه؛ ج. آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی.

الف. آزادی‌های شخصی؛ به آزادی افراد در زندگی شخصی و روابط خصوصی اطلاق می‌شود. بدین معنا که «فرد در رفت و آمد و اختیار مسکن در داخل و یا خارج از کشور و همچنین در زندگی و روابط خصوصی آزاد بوده و نیز از هرگونه تعرض و تجاوز نسبت به جان و مال و خانه و زندگی خود مصون باشد»<sup>۱۹</sup>. مهم‌ترین آزادی‌های شخصی عبارت است از: حق زندگی، آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن، مصونیت مکاتبات، مکالمات تلفنی و اسرار شخصی، آزادی در زندگی داخلی و خصوصی.

ب. آزادی‌های فکر یا اندیشه، در معنای عام خود به آزادی‌هایی اطلاق می‌شود که با اندیشه و فکر انسان مرتبط

می‌باشد؛ مانند آزادی اندیشه، آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اطلاعات<sup>۲۰</sup>.

ج. آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. این دسته از آزادی‌ها به اعتبار وابستگی‌های اجتماعی و مادی است که بشر در اجتماع داراست؛ مانند حق گرفتن کار، حق انتخاب کار و شغل، حق تأمین اجتماعی، حق مالکیت شخصی، آزادی کسب و کار و صنعت و بازرگانی و غیره<sup>۲۱</sup>.

نکته حائز اهمیت این است که یکی از مهمترین آزادی‌هایی که در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد توجه قرار داده است آزادی اجتماعات می‌باشد که در این مقاله به بررسی این آزادی پرداخته شده است.

**اجتماعات** معمولاً همایش‌های موقتی است جهت تبادل آزاد نظرات و عقاید بین افراد به صورت آزاد می‌باشد.

**آزادی اجتماعات** عبارت است از اینکه افراد بتوانند آزادانه و به طور مسالمت آمیز گرد هم آیند و از افکار و

عقاید یکدیگر بهره‌گیرند و هیچ‌گونه مانعی برای اجتماع آن‌ها در بین نباشد<sup>۲۲</sup>.

**تظاهرات و راهپیمایی** یعنی افراد با حضور در معابر عمومی و استفاده از یک فرصت نمایشی به بیان خواسته‌ی

جمعی خود می‌پردازد.

**اجتماع مسالمت آمیز** یعنی اعتراض کنندگان بدون اعمال خشونت و ایجاد بی‌نظمی مطالبات و خواسته‌های

خود را به دولتمردان برسانند.

افراد همان‌طور که حق دارند به صورت فردی کارهایی را انجام دهند به صورت جمعی و گروهی هم همین حق

را دارند. از جمله کارهای جمعی و گروهی راهپیمایی است که با اهداف مختلفی انجام می‌شود. طبیعی است که نباید

نظم عمومی و مقدمات را به هم بزنند<sup>۲۳</sup>.

---

۱۹. طباطبایی مومتمنی، همان، ص ۳۷.

۲۰. قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۳). بایسته‌های قانون اساسی. چاپ شانزدهم. میزان. ص ۱۶۰.

۲۱. طباطبایی مومتمنی، همان، ص ۲۹.

۲۲. همان، ص ۹۱.

۲۳. یزدی، محمد (۱۳۷۵). قانون اساسی برای همه. چاپ اول. تهران: سپهر. ص ۱۷۴.

## ۶. آزادی گروه بندی

کلیه شهروندان حق دارند در گروه بندی‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی شرکت کنند. جلوگیری از این حق، تناقض آشکاری با آزادی دارند، مگر اینکه آن مورد، خطراتی برای نظم عمومی داشته باشد و به طرق دیگری نتوان نظم و امنیت عمومی تامین کرد. به هر حال یکی از آزادی‌های اساسی و مشروع، آزادی اجتماعات است که بر اساس آن افراد بتوانند آزادانه و به طور مسالمت آمیز دور هم گرد آیند و از افکار و عقاید یک دیگر بهره‌امند شوند و هیچ گونه مانعی برای اجتماع آن‌ها نباشد.<sup>۲۴</sup>

بنابراین می‌توان این نوع گروه بندی‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. گروه بندی‌ها و اجتماعات موقتی مانند اجتماعات، راهپیمایی‌ها

۲. گروه بندی‌ها و اجتماعات دائمی مانند: احزاب، سندیکاها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، جمعیت‌ها.

با توجه به تفکیک انجام شده آن چه مورد بررسی ما قرار دارد مورد اول همان گروه بندی‌های موقتی است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم ولی گروه بندی‌های دائمی بحث مفصلی دارد که از حوصله این نوشته خارج است. اجتماعات موقتی خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

### الف. اجتماعات خصوصی

اجتماعات خصوصی مانند انواع مهمانی‌ها که قاعدتاً در یک محل سرپوشیده تشکیل می‌شوند. این اجتماع، تابع هیچ گونه تشریفاتی نمی‌باشد، زیرا این اجتماعات را که معمولاً در منازل اشخاص تشکیل می‌شود و در آن‌ها اعضای خانواده و نزدیکان شرکت می‌کنند باید دنباله آزادی شخصی و تعرض ناپذیری مسکن تلقی نمود.<sup>۲۵</sup> در این مورد، اکثر کشورها آزادی وسیعی برای آن‌ها قائل شده‌اند چون در اغلب اوقات، دارای آثار سیاسی نیستند.

### ب. اجتماعات عمومی

مشخص ترین مصادیق اجتماعات عمومی، راهپیمایی‌ها و تظاهرات خیابانی است. اجتماعات عمومی ممکن است در مکان عمومی و یا غیر آن تشکیل شود. اصل کلی در مورد آزادی اجتماع عمومی این است که ماموران پلیس در مرحله اول باید کوشش کنند که اجتماع عمومی آزادانه تشکیل شود. آن‌ها حق ندارند آن را مطلقاً ممنوع سازند. ندادن اجازه تشکیل اجتماع و یا انحلال آن در صورت تشکیل و متفرق کردن جمعیت وقتی مجاز است که پلیس نتواند به گونه‌ی دیگری نظم عمومی را حفظ کند.<sup>۲۶</sup>

قوانین کشورهای دموکراتیک اساساً این گونه تظاهرات را آزاد اعلام کرده‌اند اما مسلم است که اجتماعاتی از این قبیل معمولاً ناشی از بروز مسائل حاد سیاسی و اجتماعی است و پیوسته احتمال لطمه زدن به نظم عمومی و یا عبور و

<sup>۲۴</sup>. قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. چاپ نهم. میزان. ص ۵۶۸. / طباطبایی موتمنی، همان‌ص ۷۲.

<sup>۲۵</sup>. ساعد و کیل و عسکری (۱۳۸۷). قانون اساسی در نظم کنونی. چاپ دوم. تهران: مجد. ص ۱۲۸.

<sup>۲۶</sup>. ر ک: ساعد و کیل و عسکری (۱۳۸۷). قانون اساسی در نظم کنونی. صص ۱۲۷-۱۲۸.



مرور آزاد مردم وجود دارد.<sup>۲۷</sup> یا این که منجر به شورش‌ها و یا حمله به مراکز دولتی و خصوصی می‌شود. رعایت کلیه شرایط پیش بینی شده توسط قانون از جمله الزام به اطلاع و یا درخواست مجوز از سوی مقامات صلاحیت دار، اولین اقدام برای جلوگیری از حوادث ناگوار و غیر مترقبه است.

گاهی، تظاهرات اصولاً جنبه سیاسی ندارد، بلکه مذهبی است (دسته‌های عزاداری، سینه زنی) یا برای سرگرمی و تفریح می‌باشد و نظایر آن‌ها. طبیعی است که بر خورد مقامات مسئول انتظامی با این موارد فوق، در صورتی که احتمال تبدیل شده به اقدامات سیاسی نشود، ملایم و متفاوت خواهد بود.<sup>۲۸</sup>

اجتماعات و راهپیمایی‌ها اساساً وقتی رواج می‌یابند که عده‌ای از مردم که در امر خاصی ذی نفع هستند، از قدرت عمومی و سیاست‌های آن و فشارهای وارده بر خود ناراضی باشند و بدین وسیله از خود مقاومت نشان می‌دهند. در ضمن مقاومت در حقوق موضوعه به عنوان یکی از حقوق طبیعی شهروندان به رسمیت شناخته شده است.<sup>۲۹</sup>

## ۷. انواع حکومت نظامی

اعلام حکومت نظامی بزرگ‌ترین عامل برای جلوگیری از آزادی‌های مردم به خصوص آزادی اجتماعات و مطبوعات و بیان نظرات و عقاید است.<sup>۳۰</sup>

حکومت نظامی به دو صورت قابل اعمال است:

۱. حکومت نظامی به معنای خاص: در این صورت به خاطر وضعیت فوق العاده‌ی زمان جنگ، اداره‌ی امور کشور در اختیار نظامیان قرار می‌گیرد.

۲. حکومت نظامی سیاسی: در این مورد آزادی‌های عمومی کاملاً حذف نمی‌شوند، منتهی شدیداً محدود می‌شود. این گونه روش‌ها اکثراً در کشورهای جهان سوم به خصوص در کشورهایی که به لحاظ سیاسی توسعه نیافته‌اند و فرهنگ سیاسی در آن کشورها نهادینه نشده است، معمول می‌باشد.<sup>۳۱</sup>

در اینجا به بررسی وضعیت حقوقی اجتماعات در قوانین جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

## ۸. بررسی وضعیت حقوقی اجتماعات در نظام حقوقی ایران

### ۸،۱. قانون اساسی مشروطه

اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطیت مقرر می‌دارد: «انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعات با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدان‌های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند». در این جا صراحتاً اعلام داشته اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی باشند آزاد نیستند این یکی از محدودیت‌هایی است که برای اجتماعات در نظر گرفته شده است. در ابتدای امر به نظر می‌رسد این که چه چیزی موجب فتنه دینی و

<sup>۲۷</sup>. قاضی، بایسته‌های... همان. ص ۱۵۳.

<sup>۲۸</sup>. قاضی، حقوق اساسی و ... همان. ص ۵۶۹.

<sup>۲۹</sup>. هاشمی، محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول. میزان. ص ۴۲۲.

<sup>۳۰</sup>. مهرپور، حسین (۱۳۷۸). حقوق بشر و راه کارهای اجرایی آن. چاپ اول. نشر اطلاعات. ص ۱۶۲.

<sup>۳۱</sup>. هاشمی، محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول. میزان. ص ۱۹۹.

دنیوی می‌شود مبهم و کلی است و مصداق آن مسلماً اختلافی خواهد بود. منتها فعالیت‌هایی که موجب اختلال در نظم عمومی و امنیت عمومی شود در هیچ کشوری آزاد نیست. محدودیت دیگری که برای آزادی اجتماعات ذکر شده این است که اجتماع کنندگان نباید با خود اسلحه داشته باشند. چون وجود سلاح در جمعیت برای آزادی خطرناک است زیرا در این گونه اجتماعات، افراد بیشتر تابع احساسات هستند تا منطق. اجتماع مسلحانه آثار خوبی به بار نمی‌آورد.<sup>۳۲</sup> اصل فوق‌الذکر آزادی تظاهرات و اجتماعات در شوارع و میدان‌های عمومی علاوه بر این موارد باید تابع قوانین نظمی باشد.

## ۸،۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین ویژگی قانون اساسی، تعریف قدرت و نحوه تسری و توزیع آن در ساختارهای قانونی است. تنظیم روابط نهادهای قدرت، تعریف مناسبات با بخش‌های تابعه آن، بیان محدودیت‌ها و امکانات قدرت عمومی، در واقع بخش عمده‌ای از فلسفه وجود قوانین اساسی مدون را در سراسر جهان تشکیل داده است.<sup>۳۳</sup> قانون اساسی جمهوری اسلامی از لحاظ ماهوی و شکلی، شاخص‌های متمایزی دارد که کمتر می‌توان آن را با قوانین اساسی یا نظام‌های تجربه شده مقایسه کرد. از نظر ماهوی و مبنایی قانون اساسی مبتنی بر بستر روایی خاصی از آیات و احادیث متواتر و مستند قرار گرفته است، به گونه‌ای که فهم آن بدون آگاهی از این زمینه خاص میسر نمی‌شود. بر همین اساس قانون اساسی از زاویه جهان بینی تشیع و ولایت فقیه به تفسیری از انسان، جهان و دولت پرداخته است که جامعه آرمانی یا مطلوب خاصی را نشان می‌دهد که با مفاهیم عرفی و مرسوم ادبیات حقوق سیاسی قابل فهم نیست. به مفهوم دیگر، اگر نتوان رابطه منطقی قانون اساسی و شرع را تساوی دانست، این دو دارای رابطه عموم و خصوص مطلق اند.<sup>۳۴</sup> حقوق و آزادی‌های عمومی از جمله حقوق بنیادین بشری است که مهمترین سند حقوقی و سیاسی که می‌تواند در بردارنده این شاخصه‌های اساسی باشد قانون اساسی است که به وسیله نمایندگان مردم نگارش می‌یابد و مطابق با خواست عموم جامعه به تصویب می‌رسد.

در قانون مذکور به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی مانند حمایت از مادران و خانواده، برابری زن و مرد، حق تصدیق مناصب دولتی، حق برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، حق آموزش، حق کار، منع تبعیض‌های مبتنی بر نژاد، خاستگاه قومی، زبان، مذهب و مرام، آزادی مذهب، عقیده، مطبوعات، تحقیقات علمی، حق رأی و تعیین سرنوشت اجتماعی و... اشاره نموده است.

یکی از نقاط برجسته و قابل توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه به همه حقوق و آزادی‌های کلاسیک (مانند آزادی جان، فکر و جمعیت) و نوین (مانند حقوق فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)<sup>۳۵</sup> نشانگر

<sup>۳۲</sup>. رحیمی، همان‌جا، ص ۲۶۱.

<sup>۳۳</sup>. Fellman, David, "Constitutional Law in 1956-1957". (1958) p140-191. pp.140-141.

<sup>۳۴</sup>. فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). استقلال و سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی. سال اول. شماره اول. ص ۲۵.

<sup>۳۵</sup>. عباسی، بیژن، (۱۳۸۸). مبانی حقوق اساسی، تهران: انتشارات جنگل. صص ۳۶۵-۳۶۳.

اوج اعتقاد مجلس مؤسسان قانون اساسی به این موضوع است.

در همین راستا؛ اصل ۲۷ پیش نویس قانون اساسی اصل را بر آزادی اجتماعات گذاشته بود و آن را منوط به تحقق شرطی نمی دانست و قانونگذار را مکلف نموده بود تا از طریق وضع مقرراتی این آزادی را تأمین نماید:

« تشکیل اجتماعات مسالمت آمیز آزاد است و مقررات مربوط به اجتماع و راهپیمایی در خیابانها و میدانهای عمومی به موجب قانون معین خواهد شد<sup>۳۶</sup>». منتهی در متن کنونی قانون اساسی اصل آزادی تشکیل اجتماعات به شکل مشروط پذیرفته شده است و دو شرط برای آن قائل شده است که یکی پیشینی و دیگری پسینی است. اصل ۲۷ قانون اساسی: « تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». بنابراین در قانون اساسی آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی، مشروط است: یکی محل مبانی اسلام نباشد( شرط پیشینی) و دیگری اینکه تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح باشد( شرطی که مربوط به زمان شکل گیری است یا مسامحاً می توان گفت شرط پسینی). بنابراین قانون اساسی نظام پیشگیرانه را پذیرفته است<sup>۳۷</sup>. نظام پیشگیرانه وقتی است که قدرت عمومی الزاماتی را برای جلوگیری از هر عمل غیر قانونی، به افراد و گروه های ذی نفع تحمیل می کند. بدین معنی که افراد و گروه ها نمی توانند، قبل از انجام تشریفات قبلی، از حقوق و آزادی های خویش برخوردار شوند. نظام پیشگیرانه می تواند محاسن و معایبی هم داشته باشد. خوبی آن، از این بابت که به خاطر هماهنگی و مجوز قبلی با نظام حکومتی، افراد در برخورداری از حقوق و آزادی های خویش از امنیت قضایی برخوردارند. منتهی مشکل اصلی این است که حقوق و آزادی های مردم بسته به ابتکار عمل دولت دارد<sup>۳۸</sup>.

علاوه بر موارد فوق می توان گفت: محدودیت اول یعنی تشکیل اجتماعات بدون حمل سلاح یک امر طبیعی است چرا که در راهپیمایی ها و اجتماعات افراد شرکت کننده اغلب تابع شور و احساسات می باشند و همین طور ممکن است افرادی در بین آنها باشند که قصد بر هم زدن نظم راهپیمایی و اجتماعات دارند در نتیجه وجود اسلحه در این راهپیمایی ها و اجتماعات هم برای امنیت عمومی و هم برای نظم عمومی بسیار خطرناک است. بدون اسلحه برگزار شدن اجتماعات و راهپیمایی ها با اصل مسالمت آمیز بودن آن همخوانی بیشتری دارد. نه تنها در ایران بلکه در اسنادهای حقوق بشری و در کشورهای که آزادی اجتماعات و راهپیمایی ها را پذیرفته اند اولین محدودیتی که برای آن قائل شده اند، رعایت نظم و امنیت عمومی است. که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور صحیح این مورد را مد نظر قرار داده است.

محدودیت دوم در اصل ۲۷ قانون اساسی که برای اجتماعات و راهپیمایی ها قائل شده است، این است که

---

<sup>۳۶</sup>. ر ک: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول. جلسه بیست و هشتم، صص ۷۲۱-۷۱۰.  
<sup>۳۷</sup>. در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظاهراً چنین تفکیکی دیده نمی شود منتها در دو مورد می توان به چنین استنباطی رسید:

اولاً زمانی که بخواهیم قانونی را تفسیر کنیم باید عوامل متعددی را در نظر بگیریم یکی از مهم ترین این عوامل، زمینه و پیش زمینه های شکل گیری قانون اساسی است. در هنگام تصویب این اصل در آن زمان حساسیت خاصی نسبت به بهائیان و برخی از گروه های چپ بالاخص منافقین وجود داشت. البته در مشروح مذاکرات قانون اساسی در این مورد مخالفان زیادی داشت(ر ک: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول. صص ۷۲۱-۷۱۰).

ثانیاً در قوانین بعدی این مورد به صراحت اعلام شده است.

<sup>۳۸</sup>. ر ک: کامران زاده، امین(۱۳۸۹). آزادی های عمومی در قانون اساسی و ضمانت اجراهای آن. پایان نامه دانشگاه شیراز واحد بین الملل ۱۳۸۹. صص ۱۵۷-۱۴۷.

اجتماعات و راهپیمایی‌ها مخل به مبانی اسلام نباشد. مبانی اسلام یک اصل کلی و مبهم است و برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود. مثلاً عده‌ای اعتقاد دارند، مبانی اسلام همان اصول دین است<sup>۳۹</sup>. عده‌ای دیگر معتقدند مبانی اسلام علاوه بر اصول دین شامل فروع دین نیز می‌باشد و همچنین عده‌ای دیگر معتقدند مبانی اسلام تمامی معارف ضروری اسلام اعم از عقاید و احکام و اخلاقیات شامل می‌شود<sup>۴۰</sup>. از این باب مبانی اسلام دارای مصادیق مختلفی می‌باشد. بنابراین هنگام بررسی اینکه چه چیزی مخل مبانی اسلام است یا خیر؟ با توجه به هر یک از این دیدگاه‌ها متفاوت خواهد بود و مسلماً مبانی اسلامی یک مبحث مختلفی خواهد بود. که باید منظور ما از مبانی اسلام روشن شود تا بر اساس آن عمل کنیم.

### ۸،۳ سایر قوانین و مقررات

تبصره ۲ ماده ۴۱۶ قانون فعالیت احزاب جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و اقلیت‌های دینی شناخته شده مقرر می‌دارد که برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۴۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میداين و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است. نظر شورای نگهبان در رابطه به تبصره ۲ فوق‌الذکر بدین شرح بود: آن قسمت از تبصره ۲ از ماده ۶ که تشکیل راهپیمایی در معابر عمومی را منوط به کسب اجازه قبلی از وزارت کشور دانسته با توجه به اینکه اصولاً راهپیمایی در غیر معابر عمومی مصداق ندارد و طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل راهپیمایی بدون حمل سلاح و در صورتی که مخل به مبانی اسلام نباشد، بدون قید دیگری آزاد است، مغایر قانون اساسی می‌باشد. در واقع نظر شورای نگهبان و استنباط او از اصل ۲۷ قانون اساسی این بود که برای برگزاری راهپیمایی و تشکیل اجتماعات جز دو شرط عدم حمل سلاح و عدم اخلاص به مبانی اسلام چیز دیگری شرط نیست و قید گرفتن مجوز از وزارت کشور قید اضافی است که در قانون اساسی نیامده است و آوردن این قید در قوانین عادی برقراری محدودیتی است که مورد نظر قانون اساسی نبوده است.

در مورد برگزاری راهپیمایی‌ها نظر شورای نگهبان این بود که چون اصولاً راهپیمایی جز در معابر عمومی مفهوم و معنایی ندارد و مثل تشکیل اجتماعات نیست که هم در مراکز خصوصی و هم در مراکز و اماکن عمومی امکان برگزاری آن‌ها باشد و قانون اساسی راهپیمایی را بدون قید کسب مجوز آزاد اعلام کرده است. بنابراین مقید کردن برگزاری

<sup>۳۹</sup>. اصول دین عبارتند از: توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت.

<sup>۴۰</sup>. ر ک: هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. صص ۳۶۷-۳۶۸

<sup>۴۱</sup>. تبصره ۲ ماده ۶- برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میداين و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.

<sup>۴۲</sup>. ماده ۱۰ - به منظور صدور پروانه جهت متقاضیان و نظارت بر فعالیت گروه‌ها و انجام وظایف مصرحه در این قانون کمیسیونی به شرح زیر در وزارت کشور تشکیل می‌گردد:

۱ - نماینده دادستان کل کشور.

۲ - نماینده شورای عالی قضایی.

۳ - نماینده وزارت کشور.

۴ - دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی از بین داوطلبانی که از داخل مجلس و خارج آن به معرفی یکی از نمایندگان حداکثر تا یک هفته قبل از انتخابات کتباً به کمیسیون داخلی معرفی شده باشند، تاریخ انتخابات حداقل ۱۵ روز قبل توسط رئیس مجلس در جلسه علنی اعلام خواهد شد.

راهپیمایی در معابر عمومی عمومی به کسب مجوز قبلی از وزارت کشور خلاف نظر قانون اساسی است که آن را به طور مطلق از این حیث آزاد اعلام نموده است. لذا در اصلاحی که مجلس در تبصره ۲ به عمل آورد صرف اطلاع دادن به وزارت کشور برای برگزاری راهپیمایی کافی دانست ولی البته تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ را مبنی بر مخل نبودن آن با مبانی اسلام لازم شمرد که محدودیت ناشی از آن هم دست کمی از قید اخذ مجوز از وزارت کشور ندارد.<sup>۴۳</sup>

سوالی که در این جا ممکن است مطرح شود این است که، اگر کمیسیون ماده ۱۰ مخالفت کرد آیا می توان از نظر کمیسیون فوق الذکر و همچنین از عملکرد وزارت کشور شکایت کرد؟

قانون «قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده». حق شکایت و درخواست تجدید نظر از آرا کمیسیون ماده ۱۰ و عملکرد وزارت کشور در زمینه صدور مجوز گردهمایی و اجتماعات نزد نهاد مستقل بالاتر را برای متقاضیان صدور مجوز پیش بینی ننموده است. اگرچه با وجود عدم تصریح این قانون، می توان قائل به صلاحیت دیوان عدالت اداری بود. اما در عمل، از آن جا که معمولاً مجوز راهپیمایی و گردهمایی برای یک یا چند روز خاص درخواست می گردد و کمیسیون ماده ۱۰ و وزارت کشور نیز ممکن است از پاسخ گویی به تقاضا تا مدت کمی پیش از موعد مقرر، خودداری نمایند. امکان درخواست ابطال آرای این نهادها یا الزام به صدور مجوز، از دیوان عدالت وجود نخواهد داشت. بنابراین برای محافظت و تأمین حقوق شهروندان در برخورداری از این نوع آزادی ها، برای نظارت بر عملکرد کمیسیون صادر کننده مجوز نهاد مستقلی را معین نمایند، به ویژه در این موارد که شرط لازم برای کسب مجوز، چه در قانون اساسی و چه در قوانین عادی، شفافیت و صراحت کافی را ندارد.

در قانون مجازات اسلامی برای مامورین و مقاماتی که حقوق مشروع شهروندان نادیده بگیرند مسئولیت کیفری در نظر گرفته است.

ماده ۸۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

این ماده در رابطه با حمایت کیفری از حقوق ملت می باشد. ماده ۸۰۱ قانون مجازات اسلامی، اشاره به مجازات مقامات و مأمورین حکومتی دارد که به طور خودسرانه حقوق بنیادی و مشروع و مقرر در قانون اساسی نادیده گرفته و این امر موجب محروم کردن افراد از حقوق مشروع و بنیادین آنها شده است، می شود. در نتیجه حق برپایی اجتماعات و راهپیمایی ها از جمله حقوقی است که به صراحت در اصل ۲۷ قانون اساسی به آن اشاره شده است. پس نادیده گرفتن این حقوق بنیادی و مشروع ملت از سوی مقامات و مأمورین تخلف محسوب شده و طبق ماده ۸۰۱ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات است.

در ادامه ی تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، تشکیل اجتماعات در میادین و پارک های عمومی را منوط به کسب مجوز از وزارت کشور نموده است بدون ذکر هیچ شرط خاصی که با داشتن آن متقاضی، خود را برای کسب

<sup>۴۳</sup>. برای اطلاع بیشتر ر ک به: کامران زاده، امین (۱۳۸۹). آزادی های عمومی در قانون اساسی و ضمانت اجرای آن. پایان نامه دانشگاه شیراز واحد بین الملل ۱۳۸۹. صص ۱۵۷-۱۴۷.

مجوز محق بداند. به بیان دیگر قانون گذار در این مورد با پذیرش نظام نظارتی پیشگیرانه اختیاری آزادی اجتماعات در اختیار وزارت کشور گذاشته است و آن را حتی به کمیسیون ماده ۱۰ که نمایندگان از سه قوه را تشکیل می دهند، واگذار نکرده است. اما آیین نامه اجرای قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده، در ماده ۳۵ مقرر می دارد: صدور اجازه نامه کتبی وزارت کشور بر اساس تصویب کمیسیون موضوع ماده ۱۰ خواهد بود. از سوی دیگر، این آیین نامه گروه ها را موظف نموده است که تقاضای برگزاری راهپیمایی و اجتماعات را یک هفته قبل از انجام راهپیمایی کتباً و حضوری توسط نماینده رسمی و معرفی شده گروه، به وزارت کشور تسلیم نمایند<sup>۴۴</sup>. هم چنین گروه موظف است برای انجام راهپیمایی یا تشکیل اجتماعات تعهدی مبنی بر عدم حمل سلاح و عدم اخلاص نسبت به مبانی اسلام و امنیت به وزارت کشور تسلیم نماید<sup>۴۵</sup>. اما در ادامه آیین نامه مشخص می کند که این بند، صرفاً محدودیتی اضافه بر سایر محدودیت ها است. چرا که در خواست کننده راهپیمایی یا اجتماعات موظف است قبل از انجام راهپیمایی یا تشکیل اجتماعات در موقع تسلیم درخواست خود موارد زیر را دقیقاً مشخص نماید و مدارک لازم را ارائه نماید:

الف. موضوع راهپیمایی یا اجتماع و هدف از برگزار آن.

ب. تاریخ برگزاری و ساعات آغاز و پایان آن.

ج. مسیر راهپیمایی و ابتدا و انتهای آن.

د. محل سخنرانی و قرائت قطعنامه.

ه. مشخصات کامل مسئولین اجرایی و انتظامی مراسم با معرفی نامه کتبی از گروه مربوطه.

و. سخنرانان و موضوع سخنرانی.

ز. شعارهای راهپیمایی.

ح. یک نسخه از قطعنامه تهیه شده<sup>۴۶</sup>.

آیین نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، درباره راهپیمایی ها و اجتماعات در شهرستان ها مقرر داشته است که "فرمانداری محل، مدارک لازم جهت برگزاری راهپیمایی یا سخنرانی یا تشکیل اجتماعات را دریافت کرده و همراه اظهار نظر خود به استانداری مربوطه ارسال می نماید و استانداری به نوبه خود آن را با اظهار نظر صریح به منظور اتخاذ تصمیم نهایی به وزارت کشور منعکس می نماید<sup>۴۷</sup>."

پس از انجام راهپیمایی یا اجتماع در جهت اطمینان وزارت کشور از مطابقت موارد عنوان شده با آن چه در راهپیمایی یا اجتماع، روی داده است به تدابیر انتظامی خاصی که با مشارکت کارکنان وزارت اطلاعات تحت نظر شورای تأمین و فرماندهی نیروی انتظامی در جهت حفظ نظم و امنیت و در صورت لزوم تعقیب متخلفین پیش بینی نموده است<sup>۴۸</sup>، اکتفا نشده است و مسئولان انتظامات داخلی را موظف می نماید تا پس از خاتمه مراسم اعم از راهپیمایی یا

---

<sup>۴۴</sup>. ماده ۳۰ آیین نامه اجرای قانون فعالیت احزاب.

<sup>۴۵</sup>. ماده ۳۱ همان آیین نامه.

<sup>۴۶</sup>. ماده ۳۰ همان آیین نامه.

<sup>۴۷</sup>. ماده ۳۶ همان آیین نامه.

<sup>۴۸</sup>. ماده ۱۴ همان آیین نامه.

سخنرانی، گزارشی از مراسم به ضمیمه نوار سخنرانی‌ها به وزارت کشور تسلیم نماید<sup>۴۹</sup>.

مسئله دیگر آن که تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، برای برگزاری راهپیمایی‌ها و تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی گرفتن مجوز از وزارت کشور را ضروری می‌داند و آیین نامه مذکور نیز در ماده ۲۹ مقرر می‌دارد: به منظور اعمال نظارت در کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، گروه‌ها موظفند هر گونه اجتماعی را که به عنوان فعالیت گروهی تشکیل می‌دهند از طریق فرمانداری‌های مربوط یا وزارت کشور به اطلاع کمیسیون ماده ۱۰ برسانند.

عده‌ای اعتقاد دارند اصل ۲۷ قانون اساسی صرفاً در رابطه با احزاب و جمعیت‌های شناخته شده در قانون اساسی است. آن‌ها معتقدند در اصول متعددی از قانون اساسی در رابطه با احزاب صحبت شده مانند اصل ۲۶ قانون اساسی، که در این اصل حدود آزادی آن‌ها را مشخص می‌کند و به طور مستقیم در اصول ۲۳ و ۲۴ قانون اساسی در رابطه با آزادی بیان و عقیده و آزادی نشریات و مطبوعات<sup>۵۰</sup> صحبت شده است.

همچنین این افراد معتقدند: یکی از موانع اصلی در استفاده از این آزادی (گردهمایی و تظاهرات) در کشور ما عدم وجود احزاب پایدار است. اگر نظام حزبی با قواعد خاص خود از جمله مشخص بودن احزاب و اهداف آن‌ها بر کشور حاکم شود دیگر بهانه‌ای در دست مسئولین ذی ربط جهت ممانعت از برگزاری اجتماعات با در اختیار داشتن ضوابط قانونی قرار نمی‌گیرد.

پایه‌های اساسی انقلاب ایران بر راهپیمایی‌ها و اجتماعات مردمی قرار داشت و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۷ خود صراحتاً این آزادی را به رسمیت شناخته است. در ضمن «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» در فصل دوم خود به عنوان حقوق گروه‌ها مقرر داشته است که احزاب با اطلاع وزارت کشور، حق راهپیمایی و با اخذ مجوز از وزارت کشور، حق برگزاری اجتماع را دارند. ممکن است سوالی مطرح شود که آیا قانون نام برده سعی در محدود کردن آزادی مشروع اصل ۲۷ قانون اساسی را دارد؟ در این جا به نظر می‌آید که «قانون فعالیت احزاب، جمعیت سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» به چگونگی فعالیت احزاب می‌پردازد. بنابراین حکم این قانون ناظر بر تعیین تکلیف برای احزاب است نه محدود کردن اصل ۲۷ قانون اساسی. به هر حال احزاب و جمعیت‌ها برای برگزاری راهپیمایی‌ها و اجتماعات باید بر اساس این قانون رفتار کنند. اگر طبق روال معین شده در این قانون عمل نمایند آن اجتماع و یا راهپیمایی خلاف قانون اساسی نیست بلکه آن‌ها به موجب قانون فعالیت احزاب مرتکب تخلف شده‌اند و بر همین اساس شرکت کنندگان در آن اجتماع و یا راهپیمایی مرتکب جرم نشده‌اند و در قانون برای آن‌ها مجازاتی در نظر گرفته نشده است بنابراین در صورتی که برگزار کنندگان اجتماع و راهپیمایی، در زمره حزب و گروه نباشند، به نظر می‌آید با رعایت دو شرط مربوط در اصل ۲۷ قانون اساسی، برگزاری این نوع اجتماعات و راهپیمایی‌ها نیازی به اخذ مجوز ندارد. برای نمونه راهپیمایی‌هایی که هر ساله روز قدس و روز ۲۲ بهمن برگزار می‌شود از آن جایی که تابع قانون احزاب نیستند نیازی به اخذ مجوز ندارند. هم چنین، اگر اجتماعات و راهپیمایی‌ها به دعوت اشخاص برگزار شود، طبق قوانین موجود الزامی به اخذ مجوز نیست برای نمونه اجتماع میدان ولیعصر تهران مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۴ به دعوت احمدی نژاد و یا راهپیمایی‌هایی که به دعوت مهندس میر حسین موسوی در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲۵ برگزار شده، هیچ کدام از وزارت کشور مجوزی اخذ نکرده بودند.

<sup>۴۹</sup> ماده ۳۴ همان آیین نامه.

<sup>۵۰</sup> یکی از ابزارهای اطلاع رسانی و تاثیر گذار بر روی افکار عمومی در دست احزاب و دولت می باشد.

برای ارزیابی این نظرات باید نگاهی به اصول قانون اساسی و قانون فعالیت احزاب داشته باشیم:

۱. اصل ۲۶ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهور اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

بنابراین از این اصل این گونه برداشت می‌شود که: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی و یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، آزادند به شرطی که حد و حدودی که قانون اساسی برای آن‌ها معین کرده است، رعایت نمایند. پس احزاب و گروه‌های شناسنامه دار در صورت رعایت موارد ذکر شده، حق اجتماع و راهپیمایی دارند ولی در این اصل اجتماع و راهپیمایی و دیگر آزادی‌ها را اختصاصاً به گروه‌های نام برده محدود نکرده که بخواهد اشخاص دیگر را از آن آزادی محروم کند.

اصل ۲۷ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.»

این اصل صریحاً شرایط راهپیمایی و اجتماعات را معین می‌کند ولی هیچ گونه حد و حصری ندارد که اجتماع و راهپیمایی را به احزاب و یا گروه‌های ذکر شده در اصل ۲۶ قانون اساسی محدود کرده باشد. هم چنین اصل ۲۷ قانون اساسی یک اصل مستقل از اصل ۲۶ قانون اساسی می‌باشد. چرا که اصل ۲۶ قانون اساسی حد و حدود آزادی و رفتار احزاب و گروه‌ها را معین می‌کند ولی اصل ۲۷ قانون اساسی حد و حدود اجتماعات و راهپیمایی‌ها، در ضمن کلمات به کار رفته در اصل ۲۷ قانون اساسی مطلق است و اعم از احزاب و گروه‌هاست.

در مورد اصول ۲۳<sup>۵۱</sup> و ۲۴<sup>۵۲</sup> قانون اساسی نیز همان ایرادات بالا مطرح است چون در این دو اصل هیچ اصطلاحی که مبنی بر اختصاص اصل ۲۷ به احزاب و گروه‌ها باشد، نیست.

مورد دیگری که به طور کلی این ادعا را رد می‌کند اصل ۸ قانون اساسی است که چنین مقرر داشته است:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و **مردم نسبت به دولت**. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»<sup>۵۳</sup>.

بنابراین این اصل صریحاً اعلام می‌کند: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و... مردم نسبت به دولت است پس این اصل به خوبی نشان می‌دهد که لفظ مردم به معنای تک تک افراد جامعه است نه احزاب و گروه‌ها. البته احزاب و گروه‌ها متشکل از افراد جامعه هستند ولی به معنای این نیست که اگر حزب یا گروهی اقدام به اجتماع و راهپیمایی کرد دیگر افراد خارج از احزاب و گروه‌ها این حق را ندارند.

مورد دیگر اینکه آزادی اجتماع و راهپیمایی یک آزادی مشروع است و در این مورد اصل ۹ قانون اساسی مقرر

<sup>۵۱</sup>. اصل بیست و سوم: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

<sup>۵۲</sup>. اصل بیست و چهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

<sup>۵۳</sup>. این امت شماسست، که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس مرا بپرستید (سوره انبیا، آیه ۹۲).



می‌دارد:

در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. این اصل در قسمت پایانی خود اعلام می‌دارد هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. به هر حال از یک طرف در حکومت‌های دموکراتیک مردم حق تعیین سرنوشت خود را دارند و از طرف دیگر مردم دارای یکسری آزادی‌های مشروع هستند که هیچ کس حق تعدی و تجاوز به آن را ندارد و یا بر اساس اصل ۵۶ قانون اساسی هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. در نتیجه از آن جایی که اجتماع و راهپیمایی یکی از آزادی‌های مشروع مردم می‌باشد هیچ کس حق سلب آن را ندارد و حتی خود انسان‌ها هم حق سلب آن را از خود ندارند.

اگر چه در کشورهای توسعه یافته سیاسی که فرهنگ تساهل و تسامح درونی شده و جامعه مدنی شکل گرفته وجود احزاب می‌تواند به عنوان یک واسطه خواسته‌های مردم را جمع آوری و پس از تجزیه و تحلیل آن، خواسته و تقاضای آن‌ها را به حاکمیت عرضه کند و در مقابل با توجه به امکانات حاکمیت نه تنها خواسته و تقاضای حاکمیت را به مردم عرضه کند بلکه دید مردم نسبت به حکومت یک دید واقعی‌تر خواهد بود. ولی به هر حال اینکه گفته شود عدم اجتماع و راهپیمایی به دلیل عدم وجود احزاب است چندان علمی به نظر نمی‌آید چرا که مثال نقض این مورد در کشور وجود دارد برای نمونه اجتماع ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ در میدان ولیعصر تهران که به دعوت احمدی نژاد برگزار شد و نمونه دیگر آن راهپیمایی ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ که به دعوت مهندس موسوی برگزار شد.

## ۹. ضرورت نظارت بر اجتماعات

دولت حق مهار و کنترل آزادی اجتماعات را ندارد؛ کوچک‌ترین اقدام محدود کننده به منزله‌ی گامی بزرگ در راه سلب آزادی مردم است. بنابراین، آداب قانونی اجتماعات باید آن چنان تنظیم شود که دولت در مقام صدور مجوز و یا انحلال آن‌ها نباشد. زیرا، سپردن ابتکار تعیین سرنوشت اجتماعات به دولت، بدون تردید دولت را بر آن خواهد داشت تا رقبای سیاسی خود را، به هر نحو ممکن، از میدان به در کند. در این صورت هیچ تضمینی برای حفظ آزادی وجود نخواهد داشت<sup>۵۴</sup>.

در یک نظام مردم سالارانه کشمکش و تنازع بین قدرت و آزادی جای خود را به همکاری و سازش می‌دهد. با این نگرش، باید بین مطالبات اجتماع کنندگان و مقتضیات مربوط به نظم و امنیت عمومی نوعی سازش و همکاری منطقی برقرار شود<sup>۵۵</sup>. بنابراین ضرورت نظارت بر اجتماعات و راهپیمایی‌ها از دو جهت لازم و ضروری است: یکی اینکه، اجتماعات و راهپیمایی‌ها حتی در نظام‌های دموکراتیک ممکن است به خاطر غلبه احساسات و هیجانات ناشی از

<sup>۵۴</sup>. هاشمی، ۱۳۸۵، همان، ص ۲۲۴.

<sup>۵۵</sup>. ر ک: هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، صص ۴۲۵-۴۲۶.

فشارهای روحی و روانی وارده بر مطالبه کنندگان از یک سو و حضور احتمالی کسانی که در پی ایجاد ناآرامی و بی نظمی هستند. ممکن است این اجتماعات و راهپیمایی ها به درگیری و خشونت کشیده شود (تأمین امنیت و آزادی اجتماع کنندگان).

دوم اینکه، ضرورت حفظ نظم و امنیت عمومی اقتضا می کند چنین نظارتی بر آن وجود داشته باشد. چرا که حضور گسترده مردم می تواند عمدآ یا سهوآ باعث ایجاد یک سری اختلالات و نارسایی ها در عبور مرور شود. در این خصوص، در کشور ایران، آیین نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی های قانونی در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۳۱ به تصویب رسید.

این آیین نامه، تأمین امنیت عمومی به نحو مستقیم و غیر مستقیم بر عهده نیروی انتظامی و از همچنین کارکنان وزارت اطلاعات و شورای تأمین گذاشته است.

## نتیجه‌گیری

حقوق و آزادی‌های عمومی از جمله حقوق بنیادین بشری است که مهمترین سند حقوقی و سیاسی که می‌تواند در بردارنده این شاخصه‌های اساسی باشد قانون اساسی است که به وسیله نمایندگان مردم نگارش می‌یابد و مطابق با خواست عموم جامعه به تصویب می‌رسد.

در قانون مذکور به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی مانند حمایت از مادران و خانواده، برابری زن و مرد، حق تصدی مناصب دولتی، حق برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، حق آموزش، حق کار، منع تبعیض‌های مبتنی بر نژاد، خاستگاه قومی، زبان، مذهب و مرام، آزادی مذهب، عقیده، مطبوعات، تحقیقات علمی، حق رأی و تعیین سرنوشت اجتماعی، آزادی اجتماع و... اشاره نموده است.

یکی از نقاط برجسته و قابل توجه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه به همه حقوق و آزادی‌های کلاسیک (مانند آزادی جان، فکر و جمعیت) و نوین (مانند حقوق فردی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)<sup>۵۶</sup> می‌باشد که نشانگر اوج اعتقاد مجلس مؤسسان قانون اساسی به این موضوع است.

آزادی‌های اجتماعات و راهپیمایی یکی از مظاهر دموکراسی است که شهروندان می‌توانند با مشارکت مستقیم خود مطالبات و درخواست‌های خود را به دولتمردان برسانند. این حق مشروع الهی - طبیعی بشری در بسیاری از اسناد بین‌المللی و به طبع آن در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است. با بررسی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین نگاهی گذرا به قانون اساسی برخی از کشورها نشان می‌دهد که همه آن‌ها آزادی‌های اجتماعات و راهپیمایی‌ها را با یک سری محدودیت پذیرفته‌اند. به نظر می‌آید این محدودیت‌های قانونی برای حکمرانی ضرورت داشته باشد. چرا که آزادی مطلق می‌تواند از موجبات شورش و هرج و مرج‌های اجتماعی باشد.

در ایران اسلامی نه تنها این اجتماعات و راهپیمایی‌ها تأثیر بسزایی در به ثمر نشستن انقلاب داشته است حتی در شرع مقدس اسلام نیز آن را به رسمیت شناخته شده است. بنابراین در زمان تدوین و تصویب قانون اساسی، این آزادی مشروع از دید قانونگذار اساسی پنهان نمانده است. در اصل ۲۷ قانون اساسی و در قوانین عادی نیز این آزادی مورد توجه قرار گرفته است. در ضمن به رسمیت شناخته شدن این آزادی، نظارت بر آن (نه دخالت) نیز ضرورت دارد من جمله:

- تامین امنیت و آزادی اجتماع کنندگان.
- تامین نظم و امنیت عمومی.
- منتها یک سری موانع برای استفاده از این آزادی در ایران وجود دارد:
- عدم شکل‌گیری نهادهای مدنی و نهادینه شدن آن در کشور.
- عدم شکل‌گیری انجمن‌ها، تشکل‌ها و احزاب مستقل در کشور.
- مبهم بودن و کلی بودن شروطی که در اصل ۲۷ قانون اساسی بکار رفته است و این امر موجب شده است که معیار افراد (مقامات و مسئولین) برای روبرو شدن با آن همان معیارهای شخصی و سلیقه‌ای باشد. برای عملیاتی و اجرایی

<sup>۵۶</sup> عباسی، همان. صص ۳۶۵-۳۶۳.

شدن این اصل ضروری است که شروط بکار رفته در این اصل به صراحت و روشن تعریف شود و مصادیق آن معین شود و همچنین فراهم کردن پیش زمینه‌ای که تنها معیار رفتار افراد قانون باشد. در پایان اصلاحاتی در قوانین و مقرراتی که در این زمینه وجود دارد ضروری به نظر می‌آید.

## منابع

### الف: فارسی

۱. بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). مسائل حقوق اساسی. چاپ اول. تهران: نشر دادگستر.
۲. خلخالی، فرید (۱۳۸۳). نظم عمومی و آزادی اجتماع و تشکل. نشریه حقوق اساسی. سال دوم. شماره سوم.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. رحیمی، مصطفی (۱۳۵۴). قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی. چاپ دوم. تهران.
۵. ساعد و کیل و عسکری (۱۳۸۷). قانون اساسی در نظم کنونی. چاپ دوم. تهران: مجد.
۶. شارل دو منتسکیو (۱۳۷۰). روح القوانين. ترجمه علی اکبر مهتدی. جلد ۱. چاپ نهم. تهران: امیرکبیر.
۷. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول. جلسه اول تا سی و یکم ۱۳۶۴.
۸. طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۸۲). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. انتشارات دانشگاه تهران.
۹. عباسی، بیژن (۱۳۸۸). مبانی حقوق اساسی. تهران: انتشارات جنگل.
۱۰. فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). استقلال و سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه بررسی‌های حقوق عمومی. سال اول. شماره اول.
۱۱. قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۳). بایسته‌های قانون اساسی. چاپ شانزدهم. میزان.
۱۲. قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. چاپ نهم. میزان.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مبانی حقوق عمومی. تهران: نشر دادگستر.
۱۴. کامران زاده، امین (۱۳۸۹). آزادی‌های عمومی در قانون اساسی و ضمانت اجرای آن. پایان نامه دانشگاه شیراز واحد بین الملل.
۱۵. کوئین، آنتونی (۱۳۷۱). فلسفه سیاسی. ترجمه مرتضی اسعدی. نشر بین المللی هدی.
۱۶. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات ابن سینا.
۱۷. مهرپور، حسین (۱۳۷۸). حقوق بشر و راه کارهای اجرایی آن. چاپ اول. نشر اطلاعات.
۱۸. ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۳). مجموعه اعلامیه‌های حقوق بشر. تهران: انتشارات مجد.
۱۹. هابز، توماس (۱۳۸۰). لویاتان. ترجمه حسین بشیریه. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۲۰. هاشمی، محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ اول. میزان.
۲۱. هاشمی، محمد (۱۳۸۵). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول. چاپ هفتم. میزان.
۲۲. هیمن - دو، آرت (۱۳۸۲). (ترجمه مولایی و برناک). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران.
۲۳. یزدی، محمد (۱۳۷۵). قانون اساسی برای همه. چاپ اول. تهران: سپهر.

### ب: قوانین

۱. آیین نامه اجرایی قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۱/۳/۳۰ و اصلاحات بعدی.
۲. آیین نامه چگونگی تامین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی مصوب ۱۳۸۱/۶/۳۱.
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷.
۵. قانون جدید مجازات اسلامی، کلیات، حدود، قصاص، دیات، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.

### C. English sources

1. Bell, D. (2004). Communitarianism in Stanford Encyclopedia of Philosophy. Principal Editor N.Zalat, Stanford: Stanford University, Center for the Study of Language and Information.
2. Fellman, David, "Constitutional Law in 1956-1957".(1958) p140-191. at:
3. Foweraker, J. & Landman, T. (1997).Individual Rights and Social Movements: A Comparative and Tatistical Inquiry. Oxford: Oxford University Press.
4. Gunsteren, H. (1998).A Theory of Citizenship. US: Westview Press.
  - a. <http://www.Jstor.org/stable/1953019?&Search=yes&term=constitution>.
5. Podunavac, M. (2001). The Principales of Citizenship and Pluralism in Identity. Belgrade: Belgrade University.
6. Rawls, John(1993). A Theory of Justice, Oxford University Press.
7. Ritzer, G. (2005). Encyclopdia of social Theory. London: sage Publication.